

معلومات تازه ومستند بدست آمده درمورد رخداد 9/11، از منابع مختلف و رسانه های الیترنا تیف.

من میخوامم مقالات ذیل را بالترتیب از متن انگلیسی به دری ترجمه وبه مطالعه خوانندگان گرامی بخاطر معلومات بیشتر شان نشر و تقدیم نمایم :

- 1- **9/11 اسما گیت و «بازگشت» - «جنگ عادلانه» علیه افغانستان**
- 2- **چه چیزی (22) سال جنگ و جنایت را رهبری کرد: یونوکال و مسیر ارزو یا دلخواه خط لوله ترانس افغانستان.**
- 3- **11/9 تحلیل ، «دواپاما» (لوی دروغ) دسپینی مانی پروپاگند او (2011) داسامه بن لادن مرگ یا مرگه**

نویسنده : پروفیسور میخایل چوسودوفسکی «Prof. Michel Chossudovsky»

منبع و تاریخ نشر : گلوبال ریسرچ « 2023-08-21 ».

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

**11/9، دروازه اسامه و «بازگشت» . «جنگ عادلانه»
آمریکا علیه افغانستان**

**9/11, Osama Gate and The "Blowback".
America's "Just War" against Afghanistan**



یادداشت نویسنده : مقاله زیر با عنوان "Osamagate" برای اولین بار بیش از 22 سال در 9 اکتبر 2001، دوروز پس از هجوم کمپین بمب گذاری علیه افغانستان در 7 اکتبر 2001 منتشر شد .

چند ساعت پس از حملات 11 سپتامبر، اسامه بن لادن به عنوان معمار حملات به مرکز تجاری جهانی «WTC» و پنتاگون بدون ذره ای مدرک شناسایی شد .

در روز بعد، "جنگ علیه تروریسم" آغاز شد . کمپین اطلاع رسانی نادرست رسانه ای به سرعت آغاز شد .

از همان ابتدا، هدف استفاده از یازده سپتامبر به عنوان دستاویزی برای آغاز مرحله اول جنگ در آسیای مرکزی خاورمیانها، که شامل بمباران و اشغال افغانستان بود، در نظر گرفته شده بود . این امر با حفظ این افسانه حاصل شد که تروریست های مسلمان تحت حمایت دولت افغانستان در 11 سپتامبر 2001 به WTC حمله کرده اند .

تا به امروز هیچ مدرکی وجود ندارد که القاعده پشت سر این حملات بوده باشد .

افغانستان به عنوان "دولت حامی تروریسم" معرفی شد . حملات 11 سپتامبر به عنوان یک اقدام جنگی، حمله به آمریکا توسط یک قدرت خارجی طبقه بندی شد .

حق دفاع از خود مطرح شد . ایالات متحده و **نا تو** متجاوز به عنوان قربانی به تصویر کشیده شد .

در 12 سپتامبر 2001، کمتر از 24 ساعت پس از حملات ، **نا تو** برای اولین بار در تاریخ خود "**ماده 5 پیمان** و اشنگتن - بند دفاع جمعی آن " را استناد کرد و حملات 11 سپتامبر را به بها نه حمله بر مرکز تجارت جهانی (WTC) و پنتاگون اعلام کرد " و یادآور شد که این حمله یک حمله علیه همه اعضای نا تومیبیا شد (" پیوسته به آیین باید در رابطه با جنگ اوکراین اشاره کنم که نشانه هایی وجود دارد که استناد به ماده 5 در حال حاضر توسط ایالات متحده/نا تو پشت در های بسته مورد بحث قرار می گیرد) .

افکار عمومی به این باور رسیدند که مقدمات جنگ در 12 سپتامبر در زمان خالی آغاز شد و نتیجه خشم و خشم بود .

. شما هیچ برنامه ای برای یک جنگ تئاتر در مقیاس بزرگ در چهار هفته ندارید . تحلیلگران نظامی تایید خواهند کرد که جنگ علیه افغانستان که در 7 اکتبر 2001 آغاز شد، بسیار قبل از 11 سپتامبر برنامه ریزی شده بود

11 سپتامبر همچنان بها نه و توجیهی برای جنگ بدون مرز است .

11/9 نشانه هجوم تبلیغات جنگ، یک کمپین گسترده اطلاعات نادرست رسانه ای بود بدنیایی از داستان جایگزین افراد واقعی و فرآیندهای واقعی شده است. در نهایت اصطلاح "جنگ جهانی علیه تروریسم (GWOT)" ظهور کرد.

هدف اساسی حفظ مشروعیت جنگ بدون مرز آمریکا و ناتو بود.

GWOT بر اساس دلایل بشردوستانه انجام می شود. این کشور از حق مداخله نظامی در هر نقطه از جهان حمایت می کند.

دروغ بزرگ باید از طریق رویدادهای تروریستی حفظ شود سازمان های تروریستی باید واقعی باشند تهدیدها باید واقعی باشند. تلفات جانی دراماتیک در 11 سپتامبر 2001 بهانه ای شد برای تعقیب "دشمن بیرونی"، ابله (اسامه بن لادن) و همچنین نصب خطوط دولت امنیت داخلی.

از 12 سپتامبر 2001، حمایت عمومی از یک جنگ تلافی جویانه علیه افغانستان، یک هدف "جنگ عادلانه"، مشروعیتی که در میان بخش های مترقی جامعه از جمله جنبش ضد جنگ مشترک بود، افزایش یافت.

افغانستان به عنوان "جنگ عادلانه" شناخته شد «یعنی که جنگ در افغانستان یک جنگ عادلانه است»

جنگ به رهبری آمریکا به عنوان مبارزه با تروریسم معرفی شد. جامعه بین المللی از این هدف بزرگ استقبال کرد. روشنفکران برجسته «پیشرو» مفهوم «جنگ عادلانه» را که توسط پروفیسور ریچارد فالک ابداع شده بود، تأیید کردند.

هدف اعلام شده مبارزه با تروریسم است. راه حل ها عبارتند از دولت امنیت داخلی با نام دولت پلیس (جنگ داخلی علیه تروریسم) و «جنگ جهانی علیه تروریسم» که در سطح بین المللی به راه افتاده است.

جنگ صلیبی مقدس علیه مناطق مهم جهان اسلام آغاز شد. مبارزه با تروریسم در طول بیست سال گذشته به عنوان توجیهی برای ایجاد پایگاه های نظامی ایالات متحده در آفریقا، خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی مورد استفاده قرار گرفته است.

القاعده به عنوان بخشی از یک کارزار تبلیغاتی به عنوان دشمن بیرونی معرفی شد. تا به امروز، هیچ مدرکی مبنی بر اینکه تروریست های اسلامی پشت حملات 11 سپتامبر بوده اند، وجود ندارد. روایت رسمی 11 سپتامبر رد شده است.

در زیر مقاله من در 9 اکتبر 2001 با تمرکز بر نقش القاعده به عنوان یک دارایی اطلاعاتی که تحت حمایت ایالات متحده است. تذکر داده شده است

میشل چوسودوفسکی، تحقیقات جهانی، 11 سپتامبر 2011، 12
سپتامبر 2019، 3 اکتبر 2022، 21 اوت 2023

“Osamagate”

نوشته میشل چوسودوفسکی استاد اقتصاد دانشگاه اتاوا



اوساما بن لادن

در حالی که جنگنده های آمریکایی و بریتانیایی حملات موشکی را علیه شهرهای بزرگ افغانستان انجام دادند، رئیس جمهور جورج دبلیو بوش قول داد که اکنون طالبان بهای آن را خواهد پرداخت. دولت آمریکا مدعی است که اسامه بن لادن پشت حوادث غم انگیز یازدهم سپتامبر است. جنگ بزرگی که ظاهراً «علیه تروریسم بین المللی» آغاز شده است، با این حال شواهد به خوبی تأیید می کند که آژانس های دولت ایالات متحده از زمان جنگ سرد، «شبکه مبارزان اسلامی» را به عنوان بخشی از برنامه سیاست خارجی واشنگتن پناه داده اند. در طنزی تلخ، نیروی هوایی ایالات متحده، اردوگاه های آموزشی را که در دهه 1980 توسط سیا تأسیس شده بود، هدف قرار می دهد.

توجیه اصلی برای به راه انداختن این جنگ کاملاً ساختگی بوده است. مردم آمریکا عمداً و آگاهانه توسط دولت شان گمراه شده اند تا از یک ماجراجویی نظامی بزرگ حمایت کنند که آینده جمعی ما را تحت تأثیر قرار می دهد.

در مواجهه با شواهد فزاینده، دولت ایالات متحده دیگر نمی تواند ارتباط خود با **اسامه** را انکار کند. در حالی که سیا اعتراف می کند که **اسامه بن لادن** یک "دارایی اطلاعاتی" در طول جنگ سرد بوده است، گفته میشود که این رابطه "به گذشته بازمی گردد". اکثر گزارش های خبری معتقدند که این پیوندهای **اسامه** و سیا متعلق به "دوران گذشته" جنگ شوروی و افغانستان است. آنها همواره به عنوان "بی ربط" به درک رویدادهای کنونی تلقی می شوند. نقش **سیا** در حمایت و توسعه سازمان های تروریستی بین المللی در طول جنگ سرد و پیامدهای آن، که در رگبار تاریخ معاصر گم شده است، توسط رسانه های غربی نادیده گرفته یا کم اهمیت جلوه داده می شود.

بله، ما از او حمایت کردیم، اما "او علیه ما رفت"

[یعنی ما از اسامه حمایت کردیم ولی او علیه ما شد]

یک مثال آشکار از تحریف رسانه ای، تز موسوم به «بازگشت» است: گفته می شود «دارایی های اطلاعاتی» «علیه حامیان خود رفته است» «آنچه ما خلق کرده ایم به صورت ما ضربه می زند.» 1 در یک منطق پیچیده، دولت ایالات متحده و سیا به عنوان قربانیان بدبخت به تصویر کشیده می شوند:

روش های پیچیده ای که به مجاهدین آموزش داده می شود و هزاران تن تسلیحات توسط ایالات متحده - و بریتانیا - در حال عذاب غرب در پدیده ای به نام «بازگشت» است که به موجب آن یک استراتژی سیاستی به تدبیرگران خود باز می گردد. 2.

با این حال، رسانه های ایالات متحده اذعان می کنند که «به قدرت رسیدن طالبان [در سال 1995] تا حدی نتیجه حمایت ایالات متحده از مجاهدین، گروه اسلامی رادیکال، در دهه 1980 در جنگ علیه اتحاد جماهیر شوروی است.» «همچنین به راحتی اظهارات واقعی خود را رد می کند و در گروه کر به این نتیجه می رسد که سیا حيله گر بوده است.

تز «بازگشت» ساختگی است. شواهد به خوبی تأیید می کند که سیا هرگز روابط خود را با "شبکه مبارزان اسلامی" قطع نکرد. از زمان پایان جنگ سرد، این پیوندهای اطلاعاتی مخفی نه تنها حفظ شده اند، بلکه به طور فزاینده ای پیچیده شده اند. ابتکارات مخفی جدیدی که توسط تجارت مواد مخدر هلال طلایی تامین می شد در آسیای مرکزی، قفقاز و بالکان به راه افتاد.

دستگاه نظامی و اطلاعاتی پاکستان (که توسط سیا کنترل می شود) اساساً "به عنوان یک کاتالیزور برای تجزیه اتحاد جماهیر شوروی و ظهور شش جمهوری جدید مسلمان در آسیای مرکزی عمل کرد 4".

تکرار الگوی کنترگیت ایران :

توضیح اصطلاح کنترگیت یا ایران گیت : ماجرای ایران و کنترها شامل یک عملیات مخفی سیا ست خارجی بود که توسط مقامات کاخ سفید در شورای امنیت ملی (NSC) در دوره ریاست جمهوری رونالد ریگان هدایت می شد. این عملیات دو هدف داشت: **اول**، فروش تسلیحات به ایران به امید آزادی گروگان های آمریکایی در لبنان، و **دوم**، انتقال غیرقانونی سود حاصل از این فروش به شورشیان کنترها که برای سرنگونی دولت ساندینیستی نیکاراگوه می جنگند. **کشف عملیات مخفی تفصیل توسط این قلم از منابع رسانایی .**

اولی نورث و کنترهای نیکاراگوه تحت حکومت ریگان را به یاد بیاورید، زمانی که سلاح های تامین شده توسط تجارت مواد مخدر به «جنگجویان آزادی» در جنگ پنهان و اشنگتن علیه دولت ساندینیستا هدایت می شد. از همین الگو در بالکان برای تسلیح و تجهیز مجاهدانی که در صفوف ارتش مسلمانان بوسنی علیه نیروهای مسلح فدراسیون یوگسلاوی می جنگیدند استفاده شد.

در طول دهه 1990، اطلاعات بین سرویس های پاکستان (ISI) توسط سیا به عنوان واسطه استفاده می شد - برای ارسال سلاح ها و مزدوران مجاهدین به ارتش مسلمان بوسنی در جنگ داخلی در یوگسلاوی بر اساس گزارشی از شرکت بین المللی رسانه مستقر در لندن:

منابع موثق گزارش می دهند که ایالات متحده در حال حاضر [1994] به طور فعال در تسلیح و آموزش نیروهای مسلمان بوسنی و هرزگوین در تضاد مستقیم با توافقات سازمان ملل شرکت می کند. آژانس های ایالات متحده تسلیحات ساخت ... چین (PRC)، کره شمالی (DPRK) و ایران را فراهم کرده اند. این منابع اشاره کردند که ... ایران با اطلاع و موافقت دولت آمریکا، تعداد زیادی راکت انداز و مقادیر زیادی مهمات را به نیروهای بوسنیایی رساند. اینها شامل راکت های 107 میلی متری و 122 میلی متری از جمهوری خلق چین و راکت انداز های چندگانه ... VBR-230 ساخت ایران بود ... [همچنین] گزارش شد که 400 نفر از اعضای سپاه پاسداران ایران (پاسداران) با مقدار زیادی اسلحه و مهمات وارد بوسنی شدند. ادعا شده بود که آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) اطلاعات کاملی از این عملیات داشت و سیا معتقد بود که برخی از 400 نفر برای عملیات تروریستی آینده در اروپای غربی جدا شده بودند.

در ماه های سپتامبر و اکتبر [1994]، جریانی از مجاهدین «افغان» وجود داشته است ... مجاهدین افغان که به طور مخفیانه در پلوسه، کرواسی (جنوب غربی بوستار) فرود آمدند و از آنجا با اسناد جعلی سفر کردند ... قبل از استقرار با نیروهای مسلمان بوسنیایی در منطقه مناطق کوپرس، زنیکا و بانیا لوکا. این نیروها اخیراً [اواخر 1994]

موفقیت نظامی قابل توجهی را تجربه کرده اند. به گفته منابعی در سارایوو، آنها توسط گردان UNPROFOR بنگلادش، که در اوایل سپتامبر [1994] از یک گردان فرانسوی اداره می شد، کمک می کردند.

طبق گزارش ها، فرود مجاهدین در پلوسه توسط نیروهای ویژه آمریکایی مجهز به تجهیزات ارتباطی پیشرفته همراه شده است، ... منابع گفته اند که ماموریت نیروهای آمریکایی ایجاد یک شبکه فرماندهی، کنترل، ارتباطات و اطلاعات برای هماهنگی و پشتیبانی بوده است. حملات مسلمانان بوسنیایی - در هماهنگی با مجاهدین و نیروهای کروات بوسنیایی - در کوپرس، زنیسا و بانیا لوکا. اخیراً برخی از حملات از داخل پناهگاه های امن تأسیس شده توسط سازمان ملل در مناطق Zenica و Banja Luka انجام شده است (...).

دولت ایالات متحده دخالت خود را به نقض مخفیانه تحریم تسلیحاتی سازمان ملل متحد در منطقه محدود نکرده است ... او [همچنین] سه هیئت عالی رتبه را در دو سال گذشته [قبل از سال 1994] در تلاش های ناموفق برای وارد کردن دولت یوگسلاوی متعهد کرد. مطابق با سیاست آمریکا یوگسلاوی تنها دولتی در منطقه است که نتوانسته است به فشارهای ایالات متحده تن دهد.

"از دهان اسب"

از قضا، عملیات مخفی نظامی - اطلاعاتی دولت ایالات متحده در بوسنی به طور کامل توسط حزب جمهوری خواه مستند شده است. گزارش طولانی کنگره توسط کمیته حزب جمهوری خواه (RPC) که در سال 1997 منتشر شد، تا حد زیادی گزارش شرکت رسانه بین المللی ذکر شده در بالا را تایید می کند. گزارش کنگره RPC، دولت کلینتون را متهم می کند که «به تبدیل بوسنی به پایگاه اسلامی ستیزه جو کمک کرده است» که منجر به استخدام هزاران مجاهد از جهان اسلام از طریق به اصطلاح «شبکه اسلامی مبارز» شده است:

شاید تهدیدآمیزترین تهدید برای ما موریت - SFOR و مهمتر از آن، برای امنیت پرسنل آمریکایی که در بوسنی خدمت می کنند - عدم تمایل دولت کلینتون به پاکسازی کنگره و مردم آمریکا در مورد همدستی اش در تحویل سلاح از این کشور باشد. ایران به دولت مسلمان در سارایوو به گفته لس آنجلس تایمز (به نقل از جامعه اطلاعاتی طبقه بندی شده) این سیاست، که شخصاً توسط بیل کلینتون در آوریل 1994 و با اصرار آنتونی لیک، رئیس منصوب سیا (و رئیس وقت شورای امنیت ملی) و پیتر گالبریت سفیر

ایالات متحده در کراسی تأیید شد. منابع)، «نقش محوری در افزایش چشمگیر نفوذ ایران در بوسنی ایفا کرد».

همراه با سلاح‌ها، نیروهای اطلاعاتی سپاه پاسداران ایران و VEVAK به همراه هزاران مجاهد ("مبارزان مقدس") از سراسر جهان اسلام به تعداد زیادی وارد بوسنی شدند. همچنین چندین کشور مسلمان دیگر (از جمله برونی، مالزی، پاکستان، عربستان سعودی، سودان و ترکیه) و تعدادی از سازمان‌های مسلمان رادیکال در این تلاش شرکت داشتند. برای مثال، نقش یک «سازمان بشر دوستانه» مستقر در سودان، به نام آژانس امداد جهان سوم، به خوبی مستند شده است. دخالت عملی دولت کلینتون با خط لوله تسلیحاتی شبکه اسلامی شامل بازرسی موشک‌های ایران توسط مقامات دولتی ایالات متحده بود... آژانس امداد جهان سوم (TWRA)، یک سازمان بشر دوستانه ساختگی مستقر در سودان... یکی از حلقه‌های اصلی در این زمینه بوده است. خط لوله تسلیحاتی به بوسنی... اعتقاد بر این است که TWRA با تجهیزات شبکه تروریستی اسلامی مانند شیخ عمر عبدالرحمن (متفکر محکوم بمب‌گذاری در مرکز تجارت جهانی در سال 1993) و اسامه بن لادن، یک مهاجر ثروتمند سعودی که اعتقاد بر این است که بسیاری از گروه‌های شبه نظامی را حمایت مالی می‌کند، مرتبط است. [واشنگتن پست، 22/9/96] 6.

همدستی دولت کلینتون :

به عبارت دیگر، گزارش کمیته حزب جمهوری خواه به صراحت همدستی دولت کلینتون با چندین سازمان بنیادگرای اسلامی از جمله القاعده اسامه بن لادن را تأیید می‌کند.

جمهوری خواهان در آن زمان می‌خواستند دولت کلینتون را تضعیف کنند یا این حال، در زمانی که چشمان کل کشور به رسوایی **مونیکا لوینسکی** دوخته شده بود، جمهوری خواهان بدون شک ترجیح دادند که یک ماجرای نابهنگام «ایران و بوسنی‌گیت» را آغاز نکنند، که ممکن بود توجه عمومی را به طور ناروا از رسوایی **لوینسکی** منحرف کند. جمهوری خواهان می‌خواستند **بیل کلینتون** را به دلیل دروغ گفتن به مردم آمریکا در رابطه با رابطه اش با **مونیکا لوینسکی**، کارآموز کاخ سفید، استیضاح کنند. بموکرات‌ها و جمهوری خواهان در مورد «دروغ‌های سیاست خارجی» اساسی‌تر در رابطه با مواد مخدر و عملیات مخفیانه در بالکان توافق کردند، بدون شک از سوی پنتاگون و سیا تحت فشار قرار گرفتند تا «لویباها را نریزند».

از بوسنی تا کوزوو

"الگوی بوسنیایی" شرح داده شده در گزارش RPC کنگره در سال 1997 در کوزوو تکرار شد یا همدستی **نا تو** و وزارت خارجه آمریکا. مزدوران مجاهد از خاورمیانه و آسیای مرکزی برای جنگ در صفوف ارتش آزادیبخش کوزوو (KLA) در سال‌های 1998-1999 استخدام شدند و عمدتاً از تلاش‌های جنگی **نا تو** حمایت کردند.

با تأیید منابع نظامی بریتانیا، وظیفه تسلیح و آموزش KLA در سال 1998 به آژانس اطلاعات دفاعی ایالات متحده (DIA) و سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا MI6، همراه با «اعضای سابق و در حال خدمت SAS 22 [22 امین ویژه بریتانیا] واگذار شده بود. هنگ خدمات هوایی] و همچنین سه شرکت امنیتی خصوصی بریتانیایی و آمریکایی».

یک منبع ارشد نظامی بریتانیا گفت که DIA ایالات متحده به MI6 نزدیک شد تا برنامه آموزشی برای KLA ترتیب دهد MI6». سپس عملیات را با دو شرکت امنیتی بریتانیایی قرارداد، که به نوبه خود به تعدادی از اعضای سابق هنگ (SAS 22) نزدیک شدند. سپس فهرستی از تسلیحات و تجهیزات مورد نیاز KLA تهیه شد. در حالی که این عملیات های مخفی ادامه داشت، اعضای هنگ SAS22، که عمدتاً از اسکادران D این واحد بودند، برای اولین بار قبل از شروع بمباران در ماه مارس در کوزوو مستقر شدند 8 . .

در حالی که نیروهای ویژه بریتانیایی SAS در پایگاه های شمال آلبانی در حال آموزش KLA بودند، مربیان نظامی از ترکیه و افغانستان که توسط «جهاد اسلامی» تأمین مالی می شد، در آموزش تاکتیک های چریکی و انحرافی به KLA همکاری می کردند 9.

«**بن لادن** خودش از آلبانی دیدن کرده بود. او یکی از چندین گروه بنیادگرا بود که واحدهایی را برای جنگ در کوزوو فرستاده بود، ... گمان می رود که **بن لادن** در سال 1994 عملیاتی را در آلبانی ایجاد کرد ... منابع آلبانیایی می گویند که **سالی بریشا** که در آن زمان رئیس جمهور بود، با برخی از گروه ها ارتباط داشت که بعدها ثابت شد. افراطی اصولگرا بودند 10».

شهادت های کنگره در مورد پیوندهای KLA-اسامه

به گفته فرانک سیلوفو از برنامه جرایم سازمان یافته جهانی شده، در شهادتی که به کمیته قضایی مجلس نمایندگان ارائه شد: «آنچه تا حد زیادی از دید عموم پنهان بود، این واقعیت بود که KLA بخشی از سرمایه خود را از فروش مواد مخدر جمع آوری می کند. آلبانی و کوزوو در قلب "مسیر بالکان" قرار دارند که "هلال طلایی" افغانستان و پاکستان را به بازارهای مواد مخدر اروپا متصل می کند. ارزش این مسیر حدود 400 میلیارد دلار در سال است و 80 درصد از هروئین مقصد اروپا را حمل می کند 11 .

به گفته **رالف موتشکه** از بخش اطلاعات جنایی اینترپل نیز در شهادتی که به کمیته قضایی مجلس نمایندگان :

وزارت امور خارجه ایالات متحده، KLA را در فهرست سازمان های تروریستی قرار داد و نشان داد که عملیات های خود را با پول تجارت بین المللی هروئین و وام های کشورهای اسلامی و افراد، از جمله **اسامه بن لادن**، تأمین مالی می کند. یکی دیگر از

پیوندهای **بن لادن** این واقعیت است که برادر یکی از رهبران سازمان جهاد مصر و همچنین یک فرمانده نظامی **اسامه بن لادن**، رهبری یک واحد زبده KLA را در جریان درگیری کوزوو بر عهده داشت. 12

مادلین آلبرایت به KLA علاقه دارد

این پیوندهای KLA با تروریسم بین المللی و جنایات سازمان یافته که توسط کنگره ایالات متحده مستند شده بود، توسط دولت **کلینتون** کاملاً نادیده گرفته شد. در واقع، در ماه‌های قبل از بمباران یوگسلاوی، وزیر امور خارجه، **مادلین آلبرایت**، مشغول ایجاد «مشروعیت سیاسی» برای KLA بود. ارتش شبه نظامی - از یک روز به بعد - به وضعیت یک نیروی "دمکراتیک" با حسن نیت در کوزوو ارتقا یافته بود. به نوبه خود، **مادلین آلبرایت** سرعت دیپلماسی بین المللی را تحمیل کرده است KLA: برای ایفای نقش محوری در "مذاکرات صلح" شکست خورده در رامبویه در اوایل سال 1999 هدایت شده بود.



سنا و مجلس نمایندگان به طور ضمنی تروریسم دولتی را تأیید میکنند

در حالی که گزارش‌های مختلف کنگره تأیید می‌کردند که دولت ایالات متحده دست به دست هم با القاعده **اسامه بن لادن** کار می‌کرده است، این امر مانع از تجهیز و تجهیز KLA توسط **کلینتون** و بعداً دولت **بوش** نشد. اسناد کنگره همچنین تأیید می‌کند که اعضای سنا و مجلس از رابطه دولت با تروریسم بین المللی اطلاع داشتند. به نقل از بیانیه نماینده **جان کاسیچ** از کمیته نیروهای مسلح مجلس: "ما خودمان را [در سال‌های 1998-1999] با KLA، که نقطه‌ای برای بن لادن بود، مرتبط کردیم... 13"

در پی حوادث غم‌انگیز 11 سپتامبر، جمهوری خواهان و دموکرات‌ها به طور هماهنگ از رئیس جمهور حمایت کردند تا "جنگ علیه **اسامه**" به راه بیندازد.

در سال 1999، سنا تور **جو لیبرمن** با قاطعیت اعلام کرد که "جنگ برای KLA مبارزه برای حقوق بشر و ارزش‌های آمریکایی است". در ساعات پس از حملات

موشکی 7 اکتبر به افغانستان، همان **جو لیبرمن** خواستار حملات هوایی تنبیهی علیه عراق شد: " ما در جنگ علیه تروریسم هستیم... ما نمی توانیم با **بن لادن** و **طالبان** متوقف شویم و یا بکنار آیم « با این حال، سناتور **جو لیبرمن**، به عنوان عضو کمیته نیروهای مسلح سنا، به تمام اسناد کنگره مربوط به پیوندهای "KLA-Osama" دسترسی داشت . وی در بیان این اظهارات کاملاً آگاه بود که سازمان های دولت آمریکا و همچنین **نا تو** از تروریسم بین المللی حمایت می کنند .

جنگ در مقدونیه

در پی جنگ 1999 در یوگسلاوی، فعالیت های تروریستی KLA به جنوب صربستان و مقدونیه گسترش یافت . در همین حال، - KLA که به سپاه حفاظت کوزوو (KPC) تغییر نام داد - به وضعیت سازمان ملل ارتقا یافت که به معنای اعطای منابع مالی "مشروع" از طریق سازمان ملل متحد و همچنین از طریق کانال های دوجانبه، از جمله کمک نظامی مستقیم ایالات متحده است .

و تقریباً دو ماه پس از افتتاح رسمی KPC تحت نظارت سازمان ملل (سپتامبر 1999)، فرماندهان - KPC-KLA با استفاده از منابع و تجهیزات سازمان ملل متحد - در حال آماده سازی حملات به مقدونیه، به عنوان دنباله منطقی فعالیت های تروریستی خود در کوزوو بودند . بر اساس گزارش روزنامه اسکوپیه Dnevnik ، KPC یک "منطقه عملیاتی ششم" در جنوب صربستان و مقدونیه ایجاد کرده است :

منابعی که اصرار دارند نامشان فاش نشود، ادعا می کنند که مقر تیپ های حفاظتی کوزوو [یعنی .مارس 2000] قبلاً در تتوو، گوستیوار و اسکوپیه تشکیل شده است . در دبار و استروگا [در مرز با آلبانی] نیز در حال آماده سازی هستند و اعضای آن کدهای مشخصی دارند 14 .

به گزارش بی بی سی، «نیروهای ویژه غربی هنوز در حال آموزش چریک ها بودند» به این معنی که آنها به KLA در باز کردن «منطقه عملیات ششم» در جنوب صربستان و مقدونیه کمک می کردند 15 .

شبکه نظامی اسلامی و ناتو در مقدونیه دست به دست دادند

در میان مزدوران خارجی که اکنون در مقدونیه (اکتبر 2001) در صفوف ارتش آزادیبخش خودخوانده ملی (NLA) می جنگند، مجاهدین از خاورمیانه و جمهوری های آسیای مرکزی اتحاد جماهیر شوروی سابق هستند . همچنین در میان نیروهای نیابتی KLA در مقدونیه، مشاوران نظامی ارشد ایالات متحده از یک مزدور خصوصی قرارداد با پنتاگون و همچنین «سربازان ثروتمند» از بریتانیا، هلند و آلمان حضور دارند . برخی از این مزدوران غربی قبلاً با KLA و ارتش مسلمانان بوسنی جنگیده بودند .

به طور گسترده توسط مطبوعات مقدونیه و بیانیه های مقامات مقدونیه مستند شده است، دولت ایالات متحده و "شبکه مبارز اسلامی" دست به دست هم در حمایت و تامین مالی ارتش خودخوانده آزادیبخش ملی (NLA) که در حملات تروریستی در مقدونیه نقش داشته است، کار می کنند NLA. یکی از نمایندگان ارتش آزادیبخش کوزوو (KLA) است به نوبه خود، KLA و سپاه حفاظت کوزوو (KPC) تحت حمایت سازمان ملل متحد، نهادهایی مشابه با فرماندهان و پرسنل نظامی یکسان هستند فرماندهان KPC با حقوق سازمان ملل متحد با مجاهدین در NLA می جنگند.

در یک پیچ تلخ، در حالی که توسط القاعده **اسامه بن لادن** حمایت و تامین مالی می شود، KLA-NLA نیز توسط ناتو و ماموریت سازمان ملل متحد در کوزوو (UNMIK) حمایت می شود. بر واقع، «شبکه ستیزه جوی اسلامی» - که از اطلاعات میان سرویس پاکستان (ISI) نیز به عنوان واسطه سیا استفاده می کند - هنوز بخشی جدایی ناپذیر از عملیات مخفی نظامی-اطلاعاتی واشنگتن در مقدونیه و صربستان جنوبی است.

بودجه تروریست های KLA-NLA از کمک های نظامی ایالات متحده، بودجه حفظ صلح سازمان ملل متحد و همچنین توسط چندین سازمان اسلامی از جمله القاعده اسامه بن لادن تامین می شود. پول مواد مخدر نیز برای تامین مالی تروریست ها با همدستی دولت آمریکا استفاده می شود. جذب مجاهدین برای مبارزه در صفوف ارتش آزادیبخش فلسطین در مقدونیه از طریق گروه های مختلف اسلامی اجرا می شود.

مستشاران نظامی ایالات متحده با مجاهدین در همان نیروی شبه نظامی درگیر می شوند، مزدوران غربی از کشورهای ناتو در کنار مجاهدین استخدام شده در خاورمیانه و آسیای مرکزی می جنگند. رسانه های ایالات متحده این را یک "باک برگشتی" می نامند که به اصطلاح "دارایی های اطلاعاتی" علیه حامیان مالی آنها رفته است!

اما در دوران جنگ سرد این اتفاق نیفتاد! این در حال حاضر در مقدونیه اتفاق می افتد و گزارش های متعدد مطبوعاتی، اظهارات شاهدان عینی، شواهد تصویری و همچنین اظهارات رسمی نخست وزیر مقدونیه که ائتلاف نظامی غرب را به حمایت از تروریست ها متهم کرده است، تایید می شود. علاوه بر این، خبرگزاری رسمی مقدونیه (MIA) به همدستی سفیر واشنگتن، جیمز پردو، و تروریست های ارتش آزادیبخش ملی اشاره کرده است 17 به عبارت دیگر، به اصطلاح "دارایی های اطلاعاتی" هنوز در خدمت منافع حامیان آمریکایی خود هستند.

پیشینه پارادو در این زمینه آشکار است. او کار خود را در بالکان در سال 1993 به عنوان یک افسر ارشد اطلاعاتی در ستاد مشترک ارتش که مسئول هدایت کمک های ایالات متحده به ارتش مسلمانان بوسنی بود آغاز کرد. **کورنل پارادو** مسئول ترتیب دادن "پرتاب های هوایی" تدارکات به نیروهای بوسنیایی شده بود. بر آن زمان، این "قطره های هوایی" به عنوان "کمک های غیرنظامی" برچسب گذاری شد. بعداً اتفاق افتاد -

توسط RPC تأیید شد گزارش کنگره: ایالات متحده تحریم تسلیحاتی را نقض کرده است و **جیمز پارگو** به عنوان بخشی از تیم مقامات اطلاعاتی که از نزدیک با رئیس شورای امنیت ملی آنتونی لیک همکاری می کردند، نقش مهمی ایفا کرد .

پارگو بعداً به نمایندگی از وزارت دفاع ایالات متحده در مذاکرات دیتون (1995) شرکت کرد . در سال 1999، قبل از بمباران یوگسلاوی، توسط پرزیدنت کلینتون به عنوان "نماینده ویژه برای ثبات نظامی و اجرای کوزوو" منصوب شد . یکی از وظایف او انتقال پشتیبانی به ارتش آزادیبخش کوزوو (KLA) بود که در آن زمان توسط اسامه بن لادن نیز حمایت می شد . پارگو از این نظر در تکرار «الگوی بوسنیایی» در کوزوو و متعاقباً در مقدونیه نقش اساسی داشت .

توجیه راه اندازی جنگ:



دولت بوش اعلام کرده است که شواهدی دارد که نشان می دهد **اسامه بن لادن** پشت حملات به WTC و پنتاگون است . به گفته **تونی بلر**، نخست وزیر بریتانیا : من شواهد کاملاً قوی و غیرقابل انکار ارتباط او [اسامه] با حوادث یازدهم سپتامبر را دیده ام 18 . چیزی که **تونی بلر** از ذکر آن کوتاهی می کند این است که آژانس های دولت ایالات متحده از جمله **سیا** همچنان به القاعده **اسامه بن لادن** "پناهگاه" می کنند .

یک جنگ بزرگ که ظاهراً «علیه تروریسم بین المللی» است، توسط دولتی راه اندازی شده است که به عنوان بخشی از برنامه سیاست خارجی خود به تروریسم بین المللی پناه می دهد . به عبارت دیگر، توجیه اصلی جنگ، کاملاً ساختگی بوده است . مردم آمریکا عمداً و آگاهانه توسط دولت شان گمراه شده اند تا از یک ماجراجویی نظامی بزرگ حمایت کنند که آینده جمعی ما را تحت تأثیر قرار می دهد

. این تصمیم برای گمراه کردن مردم آمریکا تنها چند ساعت پس از حملات تروریستی به مرکز تجارت جهانی گرفته شد . بدون هیچ مدرکی، اسامه قبلاً به عنوان

"مظنون اصلی" برچسب گذاری شده بود. دو روز بعد در روز پنجشنبه سیزدهم سپتامبر -در حالی که تحقیقات FBI به سختی آغاز شده بود- پرزیدنت بوش متعهد شد که "جهان را به سوی پیروزی هدایت کند". دولت قصد خود را برای آغاز "یک کارزار نظامی پایدار به جای یک اقدام نمایشی واحد" علیه **اسامه بن لادن** تایید کرد 19 .

علاوه بر افغانستان، تعدادی از کشورهای خاورمیانه به عنوان اهداف احتمالی از جمله عراق، ایران، لیبی و سودان ذکر شدند. و چندین شخصیت برجسته سیاسی و صاحب نظران رسانه ای ایالات متحده خواستار گسترش حملات هوایی به کشورهای دیگر "که پناهگاه تروریسم بین المللی هستند" شده اند. به گفته منابع اطلاعاتی، القاعده **اسامه بن لادن** در حدود 50 تا 60 کشور فعالیت دارد و بها نه کافی برای مداخله در چندین "دولت سرکش" در خاورمیانه و آسیای مرکزی است.

علاوه بر این، کل قوه مقننه ایالات متحده - با تنها یک صدای مخالف صادق و شجاع در مجلس نمایندگان - به طور ضمنی تصمیم دولت برای شروع جنگ را تأیید کرده است. اعضای مجلس و سنا از طریق کمیته های مختلف به گزارش های محرمانه رسمی و اسناد اطلاعاتی دسترسی دارند که بدون شک ثابت می کند که آژانس های دولت ایالات متحده با تروریسم بین المللی ارتباط دارند. آنها نمی توانند بگویند "ما نمی دانستیم". در واقع، بیشتر این شواهد در مالکیت عمومی است.

بر اساس قطعنامه تاریخی کنگره ایالات متحده که توسط هر دو مجلس و سنا در 14 سپتامبر [2001] تصویب شد: «

رئیس جمهور مجاز است از تمام نیروی لازم و مناسب علیه ملت ها، سازمان ها یا افرادی استفاده کند که او تشخیص می دهد حملات تروریستی را که در 11 سپتامبر 2001 رخ داد، برنامه ریزی، مجاز، مرتکب یا کمک کرده اند یا به چنین سازمان ها یا اشخاصی پناه داده اند. به منظور جلوگیری از هر گونه اقدامات تروریستی بین المللی در آینده علیه ایالات متحده توسط این کشورها، سازمان ها یا افراد.

در حالی که هیچ مدرکی مبنی بر کمک آژانس های دولت آمریکا به حملات تروریستی به مرکز تجارت جهانی و پنتاگون وجود ندارد، شواهد فراوان و مفصلی وجود دارد که آژانس های دولت ایالات متحده و همچنین **نا تو**، از زمان پایان دوره سرما در دست داشته اند. جنگ همچنان "پناهگاه چنین سازمان هایی" بود.

میهن پرستی نمی تواند بر اساس دروغ باشد، به ویژه زمانی که بهانه ای برای جنگ و کشتار غیرنظامیان بی گناه باشد.

از قضا، متن قطعنامه کنگره همچنین یک "مقابله" علیه حامیان ایالات متحده از تروریسم بین المللی است. این قطعنامه انجام تحقیقات «اسامه قیت» و همچنین اقدامات

مناسب علیه آژانس‌ها و/یا افراد دولت آمریکا را که احتمالاً با القاعده **اسامه بن لادن** همکاری کرده اند، مستثنی نمی‌کند. و شواهد به طور غیرقابل حذفی مستقیماً به دولت بوش اشاره می‌کند.

یادداشت

- 1 - یونیتد پرس بین المللی (UPI)، 15 سپتامبر 2001.
- 2 - گاردین، لندن، 15 سپتامبر 2001.
- 3 - '، op cit،
- 4 - برای جزئیات بیشتر به میشل چوسودوفسکی، اسامه بن لادن کیست، مرکز تحقیقات جهانی شدن، 12 سپتامبر 2001،
<http://globalresearch.ca/articles/CHO109C.html> مراجعه کنید.
- 5 - سیاست دفاعی و استراتژی شرکت رسانه ای بین المللی، نیروهای ایالات متحده، تسلیحات به بوسنی، لندن، 31 اکتبر 1994.
- 6 - بیانیه مطبوعاتی کنگره، کمیته حزب جمهوری خواه (RPC)، کنگره ایالات متحده، انتقال تسلیحات ایرانی مورد تایید کلینتون، کمک به تبدیل بوسنی به پایگاه اسلامی مبارز، 16 ژانویه 1997، موجود در وب سایت هفتمین مرکز تحقیقات جهانی سازی (CRG) به آدرس <http://globalresearch.ca/articles/DCH109A.html>. سند اصلی در وب سایت کمیته حزب جمهوری خواه سنای ایالات متحده (سناتور لری کریگ)، به آدرس <http://www.senate.gov/~rpc/releases/1997/iran.htm> موجود است.
- 7 - اسکاتلندی، گلاسکو، 29 اوت 1999.
- 8 - همان.
- 9 - حقیقت در رسانه، کوزوو در بحران، فینیکس، آریزونا، 2 آوریل 1999.
- 10 - ساندی تایمز، لندن، 29 نوامبر 1998.
- 11 - کنگره ایالات متحده، شهادت فرانک جی سیلوفو، معاون مدیر جنایات سازمان یافته جهانی، مدیر برنامه کمیته قضایی مجلس نمایندگان، 13 دسامبر 2000.
- 12 - کنگره ایالات متحده، شهادت رالف موچکه از بخش اطلاعات جنایی اینترپل، به کمیته قضایی مجلس نمایندگان، 13 دسامبر 2000.
- 13 - کنگره ایالات متحده، رونوشت های کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان، 5 اکتبر 1999، 1

14 - خبرنامه مرکز اطلاعات مقدونی، اسکوپیه، 21 مارس 2000، منتشر شده توسط بی بی سی خلاصه پخش جهانی، 24 مارس 2000.

15 - بی بی سی، 29 ژانویه 2001، در

http://news.bbc.co.uk/hi/english/world/europe/newsid_1142000/11

16 (www.scotlandonsunday.com/text_only.cfm?id=SS01025960) اسکاتلند در یکشنبه، گلاسکو، 15 ژوئن 2001 در

http://www.scotlandonsunday.com/text_only.cfm?id=SS01025960،

همچنین به UPI، 9 ژوئیه 2001 مراجعه کنید. برای جزئیات بیشتر به میشل چوسودوفسکی، واشنگتن در پشت حملات تروریستی مقدونیه مراجعه کنید، مرکز تحقیقات جهانی شدن، اوت 2001، در

17 (<http://globalresearch.ca/articles/CHO108B.html>) آژانس اطلاعات

مقدونیه (MIA)، 26 سپتامبر 2001، موجود در مرکز تحقیقات جهانی شدن در

18 <http://globalresearch.ca/articles/MNA110A.html> به نقل از دیلی

تلگراف، لندن، 1 اکتبر 2001.

19 بیانیه مقام رسمی پس از سخنرانی رئیس جمهور جورج بوش در 14 سپتامبر

2001 نقل شده در اینترنت نشنال هرالد تریبون، پاریس، 14 سپتامبر 2001.

----- **با تقدیم احترامات «2023-09-03»**

مقاله دوم تحت عنوان :

2 - چه چیزی (22) سال جنگ و جنایت را رهبری کرد: یونوکال و مسیر ارزو یا دلخواه

خط لوله ترانس افغانستان در صفحه جداگانه در آینده عنقریب